



توسعه‌ی انسانی و توانمندسازی زنان در ایران

که از سال ۱۹۹۵ برای ۱۳۰ کشور جهان محاسبه شده است. موضوع "شاخص توسعه‌ی انسانی" را به عنوان یک شاخص اساسی در نگرش توسعه‌ی انسانی بررسی کند و جایگاه زنان ایران را در شاخص‌های مذکور و عناصر اصلی آن را بیان نماید.

مقدمه:

طی چند دهه توسعه، بنابر دیدگاه سنتی که عمدتاً از جانب اقتصاددانان مطرح می‌شد، توجه اصلی برافزایش منابع سرمایه‌ای مادی متمرکز بود. از جمله‌ی آنها می‌توان، ایجاد انگیزش در عوامل اقتصادی برای سرمایه‌گذاران، بالا بردن نرخ پس‌انداز و یا تأسیس مؤسسات اقتصادی با مالکیت غیردولتی و... را نام برد. در این نگرش سرمایه‌ی مادی برای دوره‌ی طولانی به عنوان نیروی محرکه‌ی رشد و توسعه شناخته

در آن توسعه، فقط سنجش مادی درآمد، بیکاری و نابرابری نبود، بلکه توسعه فرایندی چند بعدی تلقی می‌شد که تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایش‌های مردم و نهادهای ملی و محلی و تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و محو فقر رادری داشته باشد. براساس این نگرش جدید که توسعه‌ی انسانی^۱ نامیده می‌شود، انسان و شاخص‌های مرتبط با او مطرح هستند. توجه به انسان به عنوان نقطه‌ی شروع تغییر در نظریه‌های توسعه و به معنای استوار ساختن توسعه بر هویت و ارزش‌های انسانی، اخلاقی و معنوی است و شاخص‌های جدیدی را برای سنجش این توسعه ارائه می‌دهد. توانمندسازی یکی از عناصر اصلی مفهوم توسعه‌ی انسانی محسوب می‌شود. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا با توجه به جایگاه زنان در فرایند توسعه به ویژه توسعه‌ی انسانی و شاخص‌های تعدیل شده بر حسب جنسیت

چکیده:

تا اوایل دهه‌ی ۶۰ میلادی توسعه، فرایندی اقتصادی و تکنولوژیک به شمار می‌آمد که در افزایش سرانه، تولید ناخالص ملی و به صورت فرصت‌های شغلی و سایر امکانات اقتصادی ضروری برای توزیع منافع اقتصادی حاصله، تبلور می‌یافت. اما در اواخر این دهه به تدریج آشکار شد که هرچند رشد، شرط ضروری توسعه است اما نباید آن را به منزله‌ی توسعه تلقی کرد. زیرا به عنوان یک شاخص نمی‌تواند تمامی جنبه‌های حیات انسان را دربرگیرد. آگاهی از این واقعیت همراه با لزوم حفظ هویت انسانی در برابر اثرات هماهنگ‌مدرنیزاسیون و توسعه‌ی مبتنی بر ملاحظات صرفاً اقتصادی، توجه به جنبه‌های انسانی را مطرح ساخت. طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی مفاهیم جدیدی از توسعه مطرح شد که

می‌شد. (دوپویی ۱۳۷۴). این الگوی رایج توسعه برای مدتی رشد شتابانی را در برخی از کشورها بوجود آورد، لیکن به تدریج آثار این اقدامات به صورت بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نمودار شد و آنچه که باشگاه رم آن را معضل بشری^۲ نامید، ناکارآمدی الگوهای توسعه‌ی گذشته را نمودار ساخت. گزارش این باشگاه در سال ۱۹۶۸ با عنوان محدودیت‌های رشد نخستین رویکرد به ابعاد دیگر توسعه بود (میلدو^۳ ۱۳۵۳). لذا رویکرد نوین در توسعه از جمله توسعه‌ی پایدار و توسعه‌ی انسانی به ظهور رسید. در واقع ریشه‌ی اصلی توجه به توسعه‌ی پایدار و توسعه‌ی انسانی را باید در مشکلات الگوهای گذشته‌ی توسعه جستجو کرد. در این رویکرد جدید، هدف پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکان انتخاب‌های او است. محبوب‌ال‌حق مشاور مدیر برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد^۴ که از عناصر اصلی تهیه‌ی گزارش‌های توسعه‌ی انسانی در سطح جهانی است چنین اظهار می‌دارد: رشد اقتصادی و زندگی انسانی توأمان مفهوم توسعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهد (گریفن ۱۳۷۷). با توجه به این رویکرد و برجسته شدن نقش زندگی انسان، به تدریج عنصر زن با توجه به ویژگی‌های جنسیتی وارد معادلات و شاخص‌های توسعه شد و پیش‌بینی دهه‌های گذشته مبنی بر اینکه در فرایند توسعه فواید آن به تمام طبقات اجتماعی می‌رسد مورد تردید جدی قرار گرفت. زیرا ۷۰ درصد فقیران جهان و

۲۳ درصد بیسوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند، همچنین زنان تنها ۱۴ درصد مدیریت اجرایی، ۱۰ درصد کرسی‌های پارلمان و ۶ درصد اعضای کابینه را در اختیار دارند. در واقع در میان نابرابریهای موجود نابرابری جنسیتی به طرز بارزتری در سطح جهان به چشم می‌خورد. (بنی هاشم ۱۳۷۲). لذا پیام اصلی توسعه‌ی انسانی به عنوان مهم‌ترین رویکرد در جهان امروز کاملاً روشن و واضح است، که توسعه باید توسعه‌ای جنسیتی باشد زیرا توسعه فرایند کاهش نابرابریها و گسترده کردن دامنه‌ی انتخاب‌هاست و جامعه‌ی جهانی دریافته

است که توانمندسازی (توانمند کردن) زنان برای بکارگیری استعداد و انتخاب کردن، نه تنها در ماهیت خود با ارزش است بلکه به رشد اقتصادی و توسعه‌ی جهانی خواهد انجامید. لذا ضروری است تا پیش از پرداختن به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی زنان ایران، مفهوم و عناصر توسعه‌ی انسانی و ویژگی‌های شاخص آن بررسی شود.

مفهوم و عناصر توسعه‌ی انسانی

سیر تکوین مفهوم توسعه‌ی انسانی طی دهه‌ی اخیر بیانگر تحولاتی است که این رویکرد جدید از سرگذرانیده است. در اولین گزارش توسعه‌ی انسانی در سال ۱۹۹۰، توسعه‌ی انسانی به عنوان فرایند بسط انتخاب‌های انسانی^۵ تعریف شده است (گزارش ۱۹۹۲)، مقایسه‌ی این رویکرد با سه دیدگاه رفاه اقتصادی، نیازهای اساسی و توسعه‌ی منابع انسانی درک بهتر این مفهوم را میسر می‌سازد.

در واقع مفهوم توسعه‌ی انسانی، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد و همچنین موضوعات عمیقی را درباره‌ی زندگی انسان ملاک قرار می‌دهد شامل: رسیدن به یک زندگی طولانی توأم با سلامت، کسب علم و دانش و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز یک زندگی مناسب و شایسته. شکل این گزینه‌ها متفاوت است و آزادی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا فرصت سازندگی و بروز خلاقیت، بهره‌مندی از عزت‌نفس و تضمین حقوق انسانی را در برمی‌گیرد. از این رو توسعه‌ی انسانی دارای دو جنبه است، یکی شکل‌گیری توانمندسازی انسانی نظیر سطح سلامت، دانش و مهارت و دیگری بکارگیری این توانمندبهای اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش و یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. چنانچه معیارهای توسعه‌ی انسانی نتواند تعادل لازم را در این دو جنبه برقرار سازد، توسعه‌ی انسانی تحقق نخواهد یافت (گریفن ۱۳۷۷).

در طی دهه‌ی گذشته با توجه به نقدهای انجام شده نسبت به مفهوم توسعه‌ی انسانی این تعریف دچار تحول شده است. مهمترین این انتقادات در گزارش ملی اکراین در سال ۱۹۹۶ انعکاس یافته که ناظر بر غفلت مفهوم توسعه‌ی انسانی از نقش فضای اجتماعی قابلیت‌ها در بسط انتخاب‌های انسانی است. عدم توجه به فضایی که در بستر آن انتخاب‌های انسانی گسترش می‌یابد باعث عدم شناخت پویایی روند توسعه‌ی انسانی شده است. با ورود این عنصر جدید توسعه‌ی انسانی، فرایند بسط انتخاب‌ها در بستری از فضای اجتماعی قابلیت‌ها برای دستیابی به زندگی بهتر تعریف شده است. (Ukraine ۱۹۹۶).

توسعه‌ی انسانی، عناصر و اجزای متشکله موضوعات اساسی در توسعه و برابری میان جنسیت‌ها را نیز شامل می‌شود. در الگوی توسعه‌ی انسانی که رویکردی کلان‌نگر است،

چهار عنصر اساسی به چشم می‌خورد که عبارتند از: بهره‌وری، برابری، پایداری و توانمندسازی.

بهره‌وری: به معنای اینکه مردم بتوانند سقف بهره‌وری خود را از تقابلیت‌ها و در فرایند درآمدزایی و اشتغال و... مشارکت فعال داشته باشند.

برابری: به معنای اینکه مردم باید از شانس مساوی برای دسترسی به فرصت‌ها برخوردار باشند.

پایداری: به معنای اینکه دسترسی به فرصتها نه تنها برای نسل‌های حاضر که برای نسل‌های بعدی هم باید تضمین شود.

توانمندسازی: به معنای اینکه توسعه باید توسط مردم صورت گیرد نه برای مردم. از این رو مردم باید در جریان تصمیمات و فرایندهایی که زندگی آنان را شکل می‌دهد، مشارکت تام داشته باشند. (گزارش ۱۹۹۵).

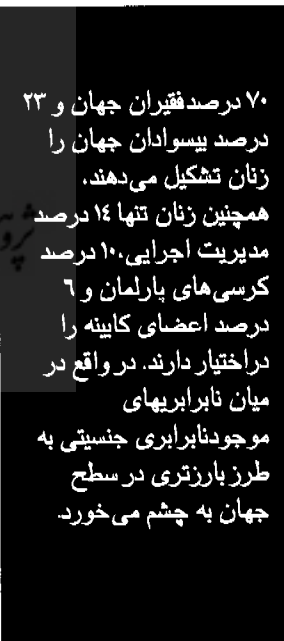
در واقع قدرت سازندگی و خلاقیت در مردم باید از طریق بهبود توانمندیهای آنان به گونه‌ای افزایش یابد که خود در جریان این فرایند به عاملانی اثر بخش برای ایجاد تغییر و دگرگونی بدل شوند. رشد اقتصادی باید با توزیع عادلانه‌ی منافع حاصله همراه باشد. فرصتهای موجود باید به شکل پایدار در اختیار نسل‌های کنونی و آتی قرار گیرد و به همه‌ی مردم چه مرد و چه زن قدرت داده شود تا در جریان طرح و اجرای تصمیمات اساسی که زندگی آنان را شکل می‌بخشد، مشارکت داشته باشند.

از سویی دیگر با ورود عنصر فضای اجتماعی قابلیت‌ها^۶ در تعریف مفهوم توسعه‌ی انسانی و اصلاح کاستیهای گذشته، پنج عنصر اجتماعی جدید دیگر که بیانگر فضای اجتماعی قابلیت‌ها است مشخص شده که عبارتند از: دموکراسی، حکومت قانون، هویت فرهنگی، تامین اجتماعی و بازارهای رقابتی (گزارش ایران ۱۳۷۸).

شاخص‌های توسعه‌ی انسانی^۵

رویکرد توسعه‌ی انسانی در پی اندازه‌گیری سه ظرفیت اساسی به عنوان سه شاخص توسعه‌ی انسانی است. این شاخص‌ها نخستین بار در سال ۱۹۹۰ توسعه برنامه عمران سازمان ملل متحد^۶ در گزارش توسعه‌ی انسانی^۷ آرایه شد و محبوب‌ال‌حق به همراه یک گروه ۱۱ نفره از متخصصان برجسته تلاش و مطالعات خویش مفهوم توسعه را در چارچوب شاخص‌های سه‌گانه در گزارش فوق به جهانیان عرضه نمودند که به شدت مورد توجه قرار گرفت. هر چند این شاخص‌ها حداقل در چند مقطع در طی یک دهه‌ی گذشته مورد نقد و ارزیابی و اصلاح قرار گرفته لیکن چارچوب کلی آن همچنان باقی مانده است (گزارش ۱۹۹۴).

شاخص توسعه‌ی انسانی، شاخصی ترکیبی است که از هر شاخص مرکب و یا حتی از هر مجموعه‌ی آمار تفصیلی، مفهومی عمیقتر و غنی‌تر آرایه می‌دهد؛ از این رو می‌توان آن را



جدول شماره ۱ مقایسه‌ی روند تحول شاخص توسعه‌ی انسانی با شاخص توسعه‌ی انسانی زنان ۱۳۷۶-۱۳۶۷

عنوان - سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
شاخص توسعه‌ی انسانی HDI	۰.۶۴۲	۰.۶۵۸	۰.۷۱۱	۰.۷۳۶	۰.۷۶۸	۰.۷۶۰	۰.۷۶۱	۰.۷۵۹	۰.۷۶۲	۰.۷۵۸
شاخص توسعه‌ی انسانی زنان GDI	۰.۴۵۴	۰.۴۶۶	۰.۵۰۲	۰.۵۲۸	۰.۵۴۹	۰.۵۵۵	۰.۵۶۱	۰.۵۶۸	۰.۵۷۳	۰.۵۷۹

جدول شماره ۲ مقایسه‌ی روند تحول شاخص امید به زندگی زنان و مردان طی دهه‌ی گذشته (سال)

عنوان - سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
مردان	۶۰/۵	۶۱/۶	۶۲/۶	۶۳/۳	۶۳/۹	۶۴/۵	۶۵/۲	۶۵/۸	۶۸/۲	۶۸/۴
زنان	۶۲/۷	۶۴/۳	۶۵/۷	۶۶/۲	۶۶/۶	۶۷/۱	۶۷/۵	۶۸/۲	۷۰/۳	۷۰/۶
متوسط کشور	۶۱/۹	۶۲/۹	۶۴/۲	۶۴/۷	۶۵/۲	۶۵/۸	۶۶/۳	۶۷/۰	۶۹/۲	۶۹/۵

توسعه‌ی انسانی آن کشور ضرب می‌شود تا شاخص توسعه‌ی انسانی مربوط به جنس بدست آید. در واقع شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل شده برحسب جنسیت، به صورت میانگینی ساده از اندازه‌ای شاخص‌های امید به زندگی و شاخص آموزش تعریف شده است. شاخص توانمندسازی، میزان مشارکت، توان تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی و توانمندی برخوردار از امکانات اقتصادی را نشان می‌دهد. (گزارش ایران ۱۳۷۸).

شاخص توسعه‌ی جنسیتی در جهان

در سال ۱۹۹۵ شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل شده برحسب جنسیت برای ۱۳۰ کشور جهان محاسبه شده است. چهار کشوری که بالاترین شاخص توسعه‌ی انسانی برحسب جنسیت را داشته‌اند عبارت بودند از: سوئد، فنلاند، نروژ و دانمارک. در مقابل کشورهایی که شاخص توسعه‌ی جنسیتی در آنها پایین‌ترین رتبه را داشته شامل: افغانستان، سیرالئون، نیجرو مالی بوده است. مقایسه‌ی دو شاخص HDI و GDI نشان‌دهنده‌ی برابری یا نابرابری جنسیتی است. هر چه این دو از هم دورتر باشند نابرابریها بیشتر است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که در اغلب کشورهای عربی فاصله‌ی این دو شاخص بیش از سایر کشورهای دنیا است. کشور چین GDI بالاتری از عربستان سعودی دارد در حالیکه درآمد سرانه‌ی آن ۱۵ عربستان است. تایلند با درآمد سرانه‌ای نصف اسپانیا GDI جلوتر است. (گزارش ۱۹۹۵). بدین ترتیب کاهش نابرابریها هیچ رابطه‌ای با درآمد ملی

است. حداقل برای سطح درآمد ۱۰۰ دلار و حداکثر ۴۰ هزار دلار است. (معمارزاده ۱۳۷۴). شاخص توسعه‌ی انسانی به عنوان یک متوسط ملی پراکنده‌ی شاخص‌های توسعه‌ی انسانی میان گروه‌های مختلف درآمدی، جنسیتی و مناطق مختلف را نشان نمی‌دهد. لذا برای ترسیم این پراکنده‌یها در سطح ملی، شاخص‌های توسعه‌ی انسانی تعدیل یافته برحسب توزیع درآمد، جنسیت و مناطق بنا بر نیاز محاسبه می‌شود. براساس این تعدیلهای رتبه بندی کشورها و مناطق در سطح ملی در یک زمینه‌ی خاص مانند نابرابری درآمد و نابرابری جنسیتی تغییر می‌یابد که ابزاری بالقوه و مناسب و سودمند برای تحلیل سیاست‌ها در جهت شناخت نابرابریها است. (کریفین ۱۳۷۷).

شاخص توسعه‌ی جنسیتی و توانمندسازی زنان

شاخص تعدیل شده‌ی توسعه‌ی انسانی برحسب جنسیت، نشان‌دهنده‌ی برابری یا نابرابری جنسیتی در فرایند توسعه‌ی ملی است. براساس این شاخص‌های تعدیل شده، دسته بندی کشورها در مناطق در سطح ملی در زمینه‌ی جنسیتی تغییر می‌یابد. شاخص توسعه‌ی انسانی براساس جنسیت ابزار بالقوه سودمندی برای تحلیل سیاست گذاران است. در عمل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی مربوط به جنس، به این نحو محاسبه شده است که به شیوه‌ی معمول شاخصی برای جمعیت زنان و شاخص دیگری برای جمعیت مردان محاسبه شده است. سپس نسبت شاخص زنان به شاخص مردان در شاخص کلی

برای ساده کردن یک واقعیت پیچیده بکار گرفت و این همان هدف اساسی تنظیم و تدوین شاخص توسعه‌ی انسانی است. مبنای انتخاب ابعاد اساسی و نشانگرهای مشکله‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی را ظرفیت‌های اولیه‌ی مردم در جهت مشارکت و ایفای نقش در جامعه تشکیل می‌دهد. این ظرفیتها یا توانمندیها عبارتند از: توان برخوردار از عمری طولانی توأم با سلامت، توان معرفت اندوزی و کسب علم و توان دسترسی به منابع و امکانات لازم برای سطح زندگی مناسب. (حسینی ۱۳۷۵).

شاخص توسعه‌ی انسانی میانگین وزنی ساده از نماگرهای ترکیبی سه گانه است. مقدار این شاخص بین حداقل (صفر) و حداکثر (یک) قرار می‌گیرد و بر این اساس کشورهای جهان به دسته‌ی بالا، متوسط و پایین از نظر توسعه‌ی انسانی تقسیم شده‌اند. لذا کشورهای زیر ۵۰۰ درصد به عنوان کشورهای با توسعه‌ی انسانی پایین و کشورهای با ۵۰۰ تا ۷۹۹ درصد کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط و کشورهای با شاخص ۸۰۰ تا یک به عنوان کشورهای توسعه‌ی انسانی بالا محسوب می‌شود. برای محاسبه‌ی حداقل و حداکثر شاخص توسعه انسانی، حداقلها و حداکثرها برای سه عنصر شاخص مذکور در نظر گرفته می‌شوند و آنها حداقل‌هایی هستند که در ۳۰ سال گذشته مشاهده شده و حداکثرهایی هستند که می‌توان در ۳۰ سال آینده تصور کرد. حداقل برای با سواد بزرگسالان و نرخ ترکیبی ورود به مقاطع تحصیلی صفر و حداکثر برای آن ۱۰۰ درصد است. حداقل برای سلامتی و امید به زندگی ۲۵ سال و حداکثر ۸۵ سال

طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ مولای مفاهیم جدیدی از توسعه مطرح شد که در آن توسعه، فقط سطح مادی درآمد، بیکاری و نابرابری نبود، بلکه توسعه، فرایندی چند-بعدی تلقی می‌شد که تغییرات عمده در ساختارهای اجتماعی، گرایش‌های مردم و نهادهای ملی و محلی و تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و محور فقر را در پی داشته باشد. براساس این نگرش جدید که توسعه‌ی انسانی نامیده می‌شود، انسان و شاخص‌های مرتبط با او مطرح هستند.

مقایسه‌ی روند تحول شاخص آموزش زنان و مردان طی دهه‌ی گذشته (درصد) جدول شماره ۳

عنوان - سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
نرخ باسوادی مردان بزرگسال	۶۷/۱	۶۹/۳	۷۱/۶	۷۳/۹	۷۵/۰	۷۶/۲	۷۷/۳	۷۸/۵	۷۹/۷	۸۱/۹
نرخ باسوادی زنان بزرگسال	۴۶/۳	۴۹/۳	۵۲/۵	۵۵/۹	۵۷/۷	۵۹/۷	۶۱/۷	۶۳/۸	۶۵/۹	۶۷/۰
نرخ ترکیب نسبت نام ناخالص مردان	۷۱/۱	۷۲/۳	۷۷/۱	۷۶/۲	۷۸/۷	۷۹/۹	۷۹/۵	۷۸/۲	۷۸/۰	۷۶/۷
نرخ ترکیب نسبت نام ناخالص زنان	۵۹/۸	۶۱/۳	۷۶/۷	۷۳/۴	۷۴/۶	۷۵/۵	۷۴/۶	۷۳/۷	۷۳/۷	۷۳/۷

مقایسه‌ی روند تحول شاخص درآمدی زنان و مردان طی دهه‌ی گذشته (درصد) جدول شماره ۴

عنوان - سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶
سهم نسبی درآمدی مردان	۹۲/۴	۹۲/۳	۹۲/۰	۹۱/۸	۹۱/۸	۹۱/۴	۹۱/۲	۹۰/۹	۹۰/۶	۹۰/۳
سهم نسبی درآمدی زنان	۷/۶	۷/۷	۷/۸	۸/۰	۸/۲	۸/۶	۸/۸	۹/۱	۹/۴	۹/۷

روند تحول شاخص توانمندسازی زنان طی دهه‌های گذشته جدول شماره ۵

عنوان - سال	۱۳۶۷	۱۳۷۰	۱۳۷۴
توانمندسازی زنان (GEM)	%۲۰۱	%۲۰۱	%۲۶۱

مأخذ: اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)

است که در مقایسه با تغییرات نامگرهای درآمدی و بهداشتی مرتبط با زنان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. جدول شماره (۳) مقایسه‌ی مهم نسبی درآمدی زنان و مردان در این سالها نشان می‌دهد که سهم نسبی درآمدی مردان در سال ۱۳۶۷ برابر با ۹۲/۴ درصد و در سال ۱۳۷۶ با ۹۰/۳ درصد بوده در حالی که این سهم برای زنان از ۷/۶ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۹/۷ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است. تفاوت سهم درآمدی زنان و مردان از علل اصلی پایین بودن سطح توسعه‌ی انسانی زنان در مقایسه با مردان است در حالیکه چنین تفاوتی در وضعیت بهداشت و آموزش زنان و مردان دیده نمی‌شود. (جدول شماره ۲): این امر ناشی از فقدان فضای اجتماعی مناسب برای کار زنان است که به دلیل موانع فرهنگی، حقوقی و اقتصادی امکان‌گسترش مشارکت اقتصادی زنان به ویژه اشتغال آنان را فراهم نیاورده است. مقایسه‌ی سهم درآمدی زنان و مردان در

شاخص توسعه‌ی انسانی کشور نشان می‌دهد. لیکن روند صعودی شاخص مذکور در دهه‌ی اخیر با افزایش از ۴۵/۴ درصد به ۵۷/۹ درصد این شاخص را یک توسعه‌ی انسانی متوسط‌افزایش داده است که دستاورد مهمی برای زنان کشور تلقی می‌شود با این حال کاهش فاصله بین (توسعه‌ی جنسیتی) ۵۷/۹ درصد و (توسعه‌ی انسانی) ۷۵/۸ درصد و انتظار برابری جنسیتی در ساختار قدرت و مشارکت در تصمیم‌گیریها نیازمند تلاش‌های بسیاری در سطح کلان کشور است. (جدول شماره ۱). بهبود وضعیت زنان در هر سه زمینه‌ی درآمد سرانه، آموزش و بهداشت طی دهه‌ی اخیر در ارتقای شاخص توسعه‌ی جنسیتی زنان ایران موثر بوده است. اما در این میان نرخ باسوادی زنان بزرگسال و نرخ ترکیبی ثبت نام زنان در مقاطع تحصیلی بهبود یافته است بطوریکه به ترتیب از ۴۶/۳ و ۵۹/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۶۷/۰ و ۷۳/۳ درصد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته

ندارد. به عبارت دیگر تفاوت درآمدی، تعیین‌کننده‌ی میزان نابرابریهای جنسیتی نیست. پیشرفت‌های بدست آمده در کاهش نابرابریهای جنسیتی در تمام دنیا به دلیل تحول در سه زمینه بدست آمده است. که عبارتند از: ۱- درصد امید به زندگی، ۲- درصد کاهش مرگ و میر در دوران بارداری و ۳- درصد آموزش بویژه آموزش عالی. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی برای زنان فراهم آمده است، لیکن در بقیه‌ی موارد زنان همچنان دچار نابرابریهای جدی هستند.

شاخص توسعه‌ی انسانی و توانمندسازی زنان در ایران:

شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل شده برحسب جنسیت در ایران، مانند اکثر کشورهای در حال توسعه ضریب کوچکتری را نسبت به

جدول شماره ۶: توسعه‌ی انسانی تعدیل یافته برحسب جنسیت

رتبه	ارزش شاخص	استانها	گروه بندی
۱	۰/۶۴۶	گیلان	گروه اول
۲	۰/۶۴۲	یزد	
۳	۰/۶۱۴	اصفهان	
۴	۰/۶۱۰	تهران	
۵	۰/۵۸۴	فارس	گروه دوم
۶	۰/۵۷۳	سمنان	
۷	۰/۵۶۶	مازندران	
۸	۰/۵۶۴	چهارمحال و بختیاری	
۹	۰/۵۶۳	مرکزی	
۱۰	۰/۵۶۲	کرمان	
۱۱	۰/۵۵۵	قم	
۱۲	۰/۵۵۲	خراسان	
۱۳	۰/۵۴۲	آذربایجان شرقی	
۱۴	۰/۵۳۵	کرمانشاه	
۱۵	۰/۵۲۰	ایلام	
۱۶	۰/۵۱۰	بوشهر	
۱۷	۰/۵۱۵	خوزستان	
۱۸	۰/۴۹۹	لرستان	گروه سوم
۱۹	۰/۴۹۰	زنجان	
۲۰	۰/۴۹۱	کهگیلویه و بویراحمد	
۲۱	۰/۴۸۶	هرمزگان	
۲۲	۰/۴۹۲	همدان	
۲۳	۰/۴۷۴	آذربایجان غربی	
۲۴	۰/۴۴۸	کردستان	
۲۵	۰/۳۹۳	سیستان و بلوچستان	

که میان نرخ باسوادی مردان و زنان وجود دارد. لذا تلاش برای افزایش نرخ باسوادی زنان در استانهای گروه سوم به کاهش نابرابری‌ها در شاخص توسعه‌ی انسانی جنسیتی کمک بسزایی خواهد نمود. براساس اطلاعات موجود و تعدیل‌های ملی برای شاخص توسعه‌ی انسانی زنان، استانهای کشور به سه گروه تقسیم شده‌اند:

گروه اول: استانهای با توسعه‌ی انسانی زنان بالا شامل: تهران، اصفهان، یزد و گیلان با شاخص بیشتر از ۰/۶۰۰ درصد.

گروه دوم: استانهای با توسعه‌ی انسانی زنان متوسط شامل: قم، فارس، سمنان، مرکزی، کرمانشاه، خوزستان، کرمان، مازندران، آذربایجان شرقی، بوشهر، اردبیل، خراسان، چهارمحال و بختیاری و ایلام با شاخص ۰/۵۰۰ درصد تا ۰/۶۰۰ درصد.

گروه سوم: استانهای با توسعه‌ی انسانی زنان پایین شامل: هرمزگان، لرستان، آذربایجان غربی، زنجان، همدان، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان و سیستان و بلوچستان با شاخصی کمتر از ۰/۵۰۰ درصد (جدول شماره ۶).

پراکندگی شاخص توانمندسازی زنان (GEM) در استانهای کشور نشان می‌دهد که استانهای تهران، اصفهان، همدان، خراسان و آذربایجان غربی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دیگر استانها دارند. وجود نمایندگان زن از این استانها در مجلس شورای اسلامی مهمترین عامل بالا بودن شاخص مذکور در آنهاست. افزایش مشارکت سیاسی زنان در دیگر استانها بویژه در مجلس شورای اسلامی می‌تواند شاخصهای مذکور را در استانهای دیگر ارتقا بخشد. (جدول شماره ۷).

دستور کار جدید برای توسعه‌ی انسانی زنان در ایران

با شروع برنامه‌ی سوم توسعه در سال ۱۳۷۹، جمهوری اسلامی ایران با تدوین سیاستهای کلی زمینه‌های ارتقای شاخصهای توسعه‌ی انسانی را فراهم نمود که رئوس این سیاستها و توصیه‌های چهارگانه در زمینه حقوق زنان، آموزش زنان، بهداشت زنان و سهم زنان در اقتصاد عبارتند از:

۱- بهبود حقوق زنان:

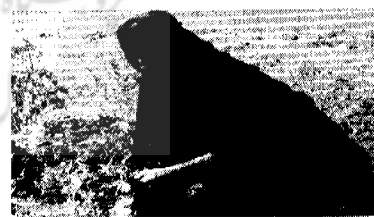
جلب مشارکت زنان در ایجاد تشکلهای غیردولتی
افزایش آگاهی عمومی زنان بویژه در زمینه حقوق
افزایش حضور مشاوران قضایی زن در دادگاههای خانواده
ایجاد کانون اصلاح و تربیت و احیای دادگاههای اطفال

۲- بهبود آموزش زنان:

کاهش نرخ بیسوادی زنان بویژه در مناطق روستایی

مأخذ: اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)

دارای توسعه‌ی انسانی بالا. گویای آن است که برای بهبود وضعیت زنان ایران باید جامعه فرصتهای بیشتری برای اشتغال زنان در مناصب سیاسی، علمی و فنی فراهم آورد. تغییر در باورهای فرهنگی از الزامات اساسی ایجاد فضای قابلیت‌زایی توسعه‌ی انسانی زنان است. (جدول شماره ۵).



سیمای توسعه‌ی انسانی و توانمندسازی زنان در استانهای کشور:

پراکندگی شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل یافته براساس جنسیت و شاخص توانمندسازی زنان (GEM) تفاوت زیادی را نشان می‌دهد. مقایسه‌ی GDI و HDI در استانها حاکی از وجود تناظری میان آنهاست در حالیکه چنین وضعیتی در پراکندگی میان شاخصهای توانمندسازی زنان (GEM) و شاخصهای توسعه‌ی انسانی (HDI) ملاحظه نمی‌شود. از دلایل اصلی تفاوت میان شاخص GDI در گروه اول و گروه سوم، تفاوت قابل ملاحظه‌ای است

کشورهای دیگر گویای پایین بودن سهم درآمدی زنان در کشور است. برای مثال در سال ۱۳۷۴ درمنازلی تفاوت میان سهم نسبی درآمدی زنان و مردان ۳۹۲ درصد بوده در حالیکه در همین سال تفاوت مذکور در ایران ۶۲۲ درصد بوده است. (جدول شماره ۴).

روند شاخص ارتقای توانمندیها برحسب جنسیت در ایران طی سالهای ۷۰-۱۳۶۰ با افزایش اندکی از ۲۰ درصد به ۲۰ درصد، نشان می‌دهد که در این دوره تغییری در سطح مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان بوجود نیامده است. در سال ۱۳۷۴ میزان این شاخص ۲۶۱ درصد بوده است که گویای پیشرفت در این زمینه است. اما مقایسه‌ی رتبه‌ی کشور در خصوص این شاخص با کشورهای

استانها	ارزش شاخص	رتبه
تهران	۰/۴۴۱	۱
اصفهان	۰/۳۸۶	۲
همدان	۰/۳۸۰	۳
خراسان	۰/۳۳۸	۴
آذربایجان غربی	۰/۳۱۶	۵
گیلان	۰/۳۰۶	۶
کرمان	۰/۲۷۱	۷
زنجان	۰/۲۵۱	۸
کرمانشاه	۰/۲۳۶	۹
سمنان	۰/۲۳۵	۱۰
مازندران	۰/۲۳۵	۱۰
یزد	۰/۲۳۴	۱۱
چهارمحال و بختیاری	۰/۲۳۳	۱۲
مرکزی	۰/۲۳۲	۱۳
فارس	۰/۲۳۲	۱۴
آذربایجان شرقی	۰/۲۲۹	۱۵
قم	۰/۲۲۹	۱۵
ایلام	۰/۲۲۶	۱۶
خوزستان	۰/۲۲۵	۱۷
کردستان	۰/۲۲۵	۱۷
بوشهر	۰/۲۲۳	۱۸
هرمزگان	۰/۲۲۰	۱۹
سیستان و بلوچستان	۰/۲۲۰	۱۹
لرستان	۰/۲۰۷	۲۰
اردبیل	۰/۲۰۵	۲۱
کهگیلویه و بویراحمد	۰/۱۶۴	۲۲

منبع: اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)

توسعه‌ی انسانی عادلانه بعنوان دستور کار جدید از میان پنج اقدام ویژه، دو مورد آن را صرفاً به موضوع زنان اختصاص داده است که عبارتند از:

ارتقای وضعیت توسعه‌ی انسانی زنان با افزایش سهم درآمدی زنان از طریق برطرف ساختن موانع فرهنگی، حقوقی و اقتصادی، مشارکت و اشتغال زنان و گسترش فرصت‌های مدیریتی در سطوح سیاسی، اجتماعی، علمی و فنی برای زنان
 افزایش نرخ پاسوادی زنان برای بهبود شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل یافته برحسب جنسیت در استانهای بسا توسعه‌ی انسانی پایین، بویژه از طریق برطرف ساختن سنتهای ناپسند در خسترده فرهنگهای محلی که مانع آموزش زنان می‌شود

پی نوشتها:

- ۱- Human Development
- ۲- Gender Development Index (GDI)
- ۳- Club of Rom
- ۴ The Predicament of Mankind
- ۵- Human Development Index (HDI)
- Nations Development Programme (UNDP)
- ۶- Unit
- ۷- Human Development Report (HDR)
- ۸- Gener Development Index (GDI)
- ۹ Gener empowerment Measure (GEM)

رتبه توسعه	ارزش شاخص	استانها	رتبه توسعه انسانی
۱	۰/۸۴۲	تهران	توسعه‌ی انسانی بالا
۲	۰/۷۹۵	قم	
۳	۰/۷۸۹	اصفهان	
۴	۰/۷۸۵	فارس	
۵	۰/۷۷۸	یزد	
۶	۰/۷۵۹	گیلان	
۷	۰/۷۵۱	سمنان	
۸	۰/۷۵۰	مرکزی	
۹	۰/۷۴۷	کرمانشاه	توسعه‌ی انسانی متوسط
۱۰	۰/۷۴۶	خوزستان	
۱۱	۰/۷۳۹	کرمان	
۱۲	۰/۷۲۴	مازندران	
۱۳	۰/۷۱۹	آذربایجان شرقی	
۱۴	۰/۷۰۶	بوشهر	
۱۵	۰/۷۰۵	اردبیل	
۱۶	۰/۶۹۸	خراسان	
۱۷	۰/۶۹۳	هرمزگان	
۱۸	۰/۶۸۲	چهارمحال و بختیاری	
۱۹	۰/۶۸۰	لرستان	
۲۰	۰/۶۸۵	ایلام	
۲۱	۰/۶۵۰	آذربایجان غربی	
۲۲	۰/۶۴۹	زنجان	
۲۳	۰/۶۳۷	همدان	
۲۴	۰/۶۳۳	کهگیلویه و بویراحمد	
۲۵	۰/۶۱۹	کردستان	
۲۶ (زنان/لق/متفرقه)	۰/۵۴۵	سیستان و بلوچستان	

افزایش پوشش تحصیلی دختران در کلیه‌ی سطوح آموزش متوسطه بویژه در مناطق روستایی
 افزایش مشارکت زنان در سطوح مدیریت نظام آموزشی
 رویکرد جنسیتی در برنامه ریزی آموزشی

تدوین سیاستهای بلندمدت توسعه‌ی منابع انسانی با دیدگاه جنسیتی

۳- بهبود بهداشت زنان:

کنترل جمعیت و تنظیم خانواده

دسترسی زنان به خدمات مراقبتهای بهداشتی

بهداشت باروری

کاهش مرگ و میر زنان باردار (از ۱۴۰ به ۳۷ درصد در هر هزار تولد)

مصونیت علیه کزاز (۷۷ درصد مادران)

۴- بهبود سهم زنان در اقتصاد

بازنگری در سنتهای فرهنگی و اجتماعی که مانع گسترش اشتغال زنان می‌شوند
 بازنگری در قوانین و مقررات موجود از دیدگاه جنسیتی

تشویق سازمانهای غیردولتی به ارایه‌ی آموزشهای فنی و حرفه‌ای برای زنان
 ایجاد زمینه‌های حضور بیشتر زنان در محافل تصمیم گیری اجتماعی

گسترش زمینه‌های اشتغال زایی دختران جوان

رویکرد جنسیتی در تنظیم برنامه‌های ملی حمایت از اشتغال زنان سرپرست خانواده نهایت اینکه دولت در جهت دستیابی به

(گزارش ایران ۱۳۷۸)

براین اساس امید می‌رود موقعیت زنان ایران در دهه‌های آتی بهبود چشمگیری را به دست آورد و این امر مستلزم ارایه‌ی الگویی کاربردی از توسعه‌ی فرهنگی زنان با توجه به معیارهای زیر است: آفرینش فرهنگی، دسترسی مساوی به اطلاعات و آموزش و حفظ اصالتهای فرهنگی، یکپارچگی در امر سیاستگذاری فرهنگی کلان و هماهنگی در سیاستهای کلان برای بهبود وضعیت زنان، انعطاف پذیری و پویایی سیاستهای فرهنگی زنان با تکیه بر گسترش تحقیقات مشترک فرهنگی میان مراکز دینی و دانشگاههاست.

در سال ۱۹۹۵ شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل شده برحسب جنسیت برای ۱۳۰ کشور جهان محاسبه شده است. چهار کشوری که بالاترین شاخص توسعه‌ی انسانی برحسب جنسیت را داشته‌اند عبارت بودند از: سوئد، فنلاند، نروژ و دانمارک. در مقابل کشورهایی که شاخص توسعه‌ی جنسیتی در آنها پایین‌ترین رتبه را داشته شامل: افغانستان، سیرالئون، نیجر و مالی بوده است.